

مسئولیت دولتها در قبال زنان (ده سال پس از کنفرانس پکن)

دکتر شمس‌السادات زاهدی*

مقدمه

دیری است که دولتها در سراسر جهان، خود را متولی تدوین استراتژیهای توسعه و مجری برنامه‌هایی اعلام می‌کنند که کشورهای متبوعشان را به سمت توسعه پایدار سوق دهد. اما آرمانهای توسعه پایدار، همچنان زیبا ولی دست‌نیافتنی و رؤیایی باقی مانده‌اند و در عرصه عمل، عینیت نیافته‌اند. به نظر ما آرمانهای توسعه پایدار تنها زمانی امکان تحقق می‌یابند که کلیه آحاد مملکت، اعم از زن و مرد، از ظرفیتهای و توانمندیهای خود بهره‌گیرند و هدفهای توسعه پایدار را تعیین بخشند. واقعیت حاکی از آن است که زنان یعنی نیمی از جمعیت جهان، هنوز در موقعیتی قرار نگرفته‌اند که از نیرو و توان عظیم آنها برای نیل به هدفهای توسعه پایدار، استفاده موثر به عمل آید. مسائل زنان همچنان حل نشده باقی مانده‌اند و تغییرات و تحولات جهانی نیز راه‌حلهای مطلوبی برای مسائل گسترده زنان عرضه نکرده‌اند.

*. استاد دانشگاه علامه طباطبائی

ده سال پیش یعنی در سپتامبر ۱۹۹۵، مسائل زنان در چهارمین کنفرانس جهانی زن در شهر پکن در کشور چین مطرح شد و در دستور کار جهانی قرار گرفت. سه کنفرانس پیشین به ترتیب در سالهای ۱۹۷۵ در مکزیکو سیتی، ۱۹۸۰ در کپنهاگ، و ۱۹۸۵ در نایروبی برگزار شده بودند. در کنفرانس پکن، حدوداً پنجاه هزار شرکت کننده مرکب از هیئتهای نمایندگی دولتها، سازمان ملل متحد، تشکلهای غیر دولتی و رسانه ها حضور داشتند و به تبادل نظر پیرامون مسائل و مشکلات زنان در حوزههای فقر، آموزش و توانمندسازی، بهداشت، خشونت، مناقشات مسلحانه، اقتصاد، قدرت و تصمیم‌گیری، سازوکارهای نهادین برای پیشرفت زنان، حقوق بشر، رسانه‌ها، محیط زیست، و بالاخره مسائل دختر بچه ها پرداختند. دولتها در پایان کنفرانس با تصویب بیانیه و کارپایه عمل پکن^۱ تعهد خود را مبنی بر هدایت جنسیتی و جاری سازی مسائل جنسیتی، در کلیه سیاستها، برنامه ها و فعالیتهای خود اعلام کردند. به عبارت دیگر، دولتها متعهد شدند که در سیاستگذاریهای خود موضوع جنسیت را به عنوان یک متغیر کلیدی در نظر گیرند. علاوه بر دولتها، سازمان ملل متحد نیز به تعهد خود در این زمینه اذعان نمود. پطرس پطرس غالی دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در بیانیه پایانی خود که در روز ۱۵ سپتامبر در کنفرانس قرائت کرد چنین گفت: " کار پایه عمل، مسئولیتهای سنگینی را بر دوش تشکیلات سازمان ملل متحد قرار می دهد و از بخشهای مختلف سازمان می خواهد تا در پیگیری، اجرا و نظارت بر آن، نقش کلیدی ایفا کنند. این کار پایه، توان و تعهد سازمان ملل متحد را به چالش فرا می خواند و من به عنوان دبیر کل چنین چالشی را می پذیرم". (کار پایه عمل و اعلامیه پکن، ۱۳۷۵). وی کار پایه پکن را فرا خوانی در موارد زیر اعلام کرد:

1. Beijing Declaration and Platform For Action

- اقدام در جهت حمایت از حقوق زنان و دختران به طور خاص و اعتلای آن به عنوان بخش پیوسته حقوق بشر به طور عام.
- اقدام در جهت امحای فقر مزمن و فزاینده زنان.
- اقدام در جهت حذف موانع موجود در راه مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌گیری (در خانواده و در اجتماع).
- اقدام برای امحای کلیه اشکال خشونت علیه زنان.
- اقدام برای تضمین دسترسی برابر زنان و دختران به آموزش و بهداشت.
- اقدام برای افزایش استقلال اقتصادی زنان.
- اقدام برای افزایش مشارکت عادلانه زنان و مردان در مسئولیتهای خانواده.

دولت جمهوری اسلامی ایران در آن هنگام تحفظاتی را نسبت به اعلامیه پکن اعلام کرد و بر تعهد خویش نسبت به اجرای کار پایه عمل، ضمن احترام کامل به اسلام و ارزشهای اخلاقی جامعه خود، تاکید ورزید (سند اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل پکن + ۵، ۱۳۸۱).

امروز ده سال از آن تاریخ می‌گذرد. پس از یک دهه هنوز شاهد مشکلات گسترده زنان در سطح جهان هستیم و همچنان به اقدامات تعیین کننده دولتها و ارگانهای جهانی برای رفع معضلات فراگیر زنان چشم دوخته ایم. نگارنده معتقد است که تحقق هدفهای توسعه پایدار منوط به اولویت بخشی به حل مسائل زنان در عرصه‌های ملی و جهانی است. از این رو در نوشتار حاضر، برخی از مهمترین مسائل زنان را تشریح می‌کند و پیشنهادهایی برای رفع آنها ارائه می‌دهد. موضوعهایی که در این نوشتار مطرح می‌شوند عبارتند از: زنان

و جهانی شدن، خشونت علیه زنان، زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و فناوری اطلاعات (شکاف دیجیتالی جنسیت).

جهانی شدن و زنان

جهانی شدن مجموعه ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله ایدئولوژی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر می‌گیرد (Gill, 2002). منطق جهانی شدن اساساً در منطق سرمایه داری یعنی، حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و لذا اقتصاد در جبههٔ مقدم فرایند جهانی شدن قرار می‌گیرد. در واقع جهانی شدن عبارت از یکپارچه شدن شتابان اقتصادهای محلی و ملی در اقتصاد جهانی است، اقتصادی که سازو کارهای آن را سازمان تجارت جهانی تنظیم می‌کند. این فرایند اثرات متناقضی بر وضعیت زنان دارد که برخی مثبت و برخی منفی قلمداد می‌شوند.

الف - اثرات مثبت:

الف - ۱. ایجاد اشتغال

جهانی شدن، فرصتهایی برای اشتغال زنان به وجود آورده و امکان به کارگیری زنان در برخی از زمینه‌های شغلی را افزایش داده است. با افزایش تعداد سازمانها و شرکتهای فراملیتی، امکان استخدام زنان در این سازمانها به وجود آمده است. طبق گزارشی که مرکز شرکتهای فراملیتی سازمان ملل متحد منتشر کرده است، شرکتهای فراملیتی حدود دو میلیون نفر از زنان را در کشورهای در حال توسعه به استخدام خود در آورده‌اند (Mendenhall, ۱۹۹۵). البته نگارنده معتقد است که این شرکتهای معمولاً از این رو به استخدام زنان علاقه نشان می‌دهند که اولاً، زنان در مشاغل مورد نظر آنان کارایی بیشتری

از مردان دارند، ثانیاً، آرامتر از مردان هستند، ثالثاً، دستمزدشان از مردان کمتر است، و رابعاً، استخدام و اخراج آنها نیز بسیار ساده تر از مردان عملی می‌شود.

الف - ۲. تعدیل فقر

مهاجرت زنان برای دستیابی به فرصتهای اشتغال به آنان کمک کرده است که در بسیاری از موارد مشکل فقر خود را تا حدودی از بین ببرند و در عین حال با عرضه‌ی نیروی کار خود، تقاضای بازار کار در برخی از کشورها را برآورده سازند.

الف - ۳. ایجاد همبستگی

از طریق فرایند جهانی شدن، زنان متوجه می‌شوند که سایر زنان در دیگر نقاط جهان نیز پرسشها و چالشهای همانندی دارند و این امر می‌تواند در ایجاد همبستگی و انسجام بین آنان موثر افتد و نوعی جهانی شدن از سطوح پایین را در مقابل تحمیل جهانی شدن از بالا در پی داشته باشد.

ب. اثرات منفی

ب-۱. تحکیم پدرسالاری

جهانی شدن و آزادسازی اقتصاد موجب تحکیم ساختارها، هنجارها و ارزشهای نظام پدر سالاری می‌شود و موانع توانمندسازی زنان را افزایش می‌دهد (Marenga، ۲۰۰۴).

ب-۲. بسط تجارت جنسی

جهانی شدن موجب افزایش استفاده جنسی از زنان شده است و تعداد زیادی از زنان و دختران را به نوعی به ورطه کارهای جنسی کشانده است، در نتیجه، میلیونها زن در کشورهایی غیر از موطن اصلی خود به انحای گوناگون به تجارت جنسی اشتغال یافته اند.

ب-۳. تشدید تقسیم کار سنتی

تقسیم کار سنتی بین زنان و مردان به شکل جدید آن تشدید شده است و در اثر آن حقوق زنان کماکان در حال پایمال شدن است.

ب-۴. استثمار زنان

بی ثباتی اجتماعی و اقتصادی و عدم اطمینان نسبت به آینده، شیوه های نوین استثمار زنان را در پی داشته است.

ب-۵. قاچاق زنان

منظور از قاچاق زنان عبارتست از تجارت زنان و دختران به منظور واداشتن آنان به کار جنسی و سایر انواع جرایم در خارج از سرزمین اصلی خویش. متأسفانه این پدیده شوم با فرایند جهانی شدن ابعاد گسترده ای یافته و به سرعت رو به افزایش گذارده است.

تحلیل و پیشنهاد

اگر چه جهانی شدن موجب افزایش تعداد زنان شاغل شده اما این افزایش در نیروی کار اصلی^۱ روی نداده است. زنان معمولاً در کارهای حاشیه ای و جانبی، به طور پاره وقت و موقت استخدام می شوند که عاری از هر نوع امنیت شغلی است. در نتیجه، جهانی شدن اقتصاد بخصوص جهانی شدن تولید، به جای این که به توانمندسازی و آزادسازی زنان منجر شود موجب استثمار بیشتر آنان شده است (Gills, 2002). برای تخفیف آثار منفی جهانی شدن پیشنهاد می شود موضوع حقوق زنان در دستور کار جهانی حقوق بشر قرار گیرد و از اولویت ویژه برخوردار شود. هم کشورهای ملی و هم ارگانهای بین المللی و جهانی بایستی به موضوعها و مسائل زنان توجه مبذول نمایند و این توجه را با تخصیص بودجه های بیشتر و مساعی و تلاش های افزونتر برای حل مسائل زنان نشان دهند. برای رفع مشکلات زنان بایستی نگرشی چند جانبه و سیستمی اتخاذ شود تا بتوان اثرات منفی جهانی شدن را به حداقل رساند. یکی از بحرانی ترین اثرات منفی جهانی شدن، قاچاق زنان و کودکان است که بایستی با رویکردی همه جانبه و با همکاری گسترده بین المللی نسبت به ریشه کنی آن اقدام شود، زیرا علاوه بر این که موجب وهن جامعه بشری و تضییع حقوق بشر است، تهدیدی بسیار جدی برای سلامت و امنیت عموم مردم جهان به شمار می رود. متأسفانه زنان و دختران بسیاری فریب وعده های دروغین کار پردرآمد در خارج از کشور را می خورند و به فحشهای اجباری، خدمتکاری و سایر انواع کار اجباری وادار می شوند. بانک جهانی قاچاق سالانه حدود هفتصد هزار زن و کودک را گزارش کرده است که اغلب آنها فقیر و بی سوادند (Word Bank, 2002). در منطقه آسیا و پاسیفیک، طی

دو سه دهه گذشته، بیش از سی میلیون کودک اعم از دختر و پسر، مورد تجارت قرار گرفته اند (UMCEF, 2003). برای رفع این معضل، لازم است که هر چه زودتر در سطوح ملی و بین المللی اقدامات جدی و فراگیر به عمل آید. در این زمینه پیشنهادهایی ارائه می شود:

- دولتها باید برای مبارزه با تجارت جنسی و قاچاق زنان و کودکان برنامه ها و فعالیتهای کارآمد و موثری را اجرا کنند
- نظامهای قضایی می توانند نقش کلیدی در مبارزه با قاچاق انسانها داشته باشند. این موضوع باید در اولویت کار نظامهای قضایی در تک تک کشورهای جهان قرار گیرد.
- زنان بایستی در هیئتهای سیاستگذار در سطح ملی و کشوری برای مبارزه با قاچاق انسان مشارکت موثر داشته باشند. حضور زنان در هیئتهای سیاستگذار و تصمیم گیرنده، موجب حمایت و پشتیبانی جدی تر و مؤثرتر از زنان و کودکان در مقابل جنایات جنسی می شود.
- جنسیت و طبقه اجتماعی، زنان و کودکان را در پایین ترین ردهی سلسله مراتب حقوق بشر قرار می دهد و موجب نفی شأن و کرامت آنان می شود. این وضعیت زمینه را برای فریب خوردن آنان مساعد می سازد و موجب می شود که قربانی جرایم و جنایات گوناگون شوند. برای فائق آمدن بر این معضل جهانی نیاز به همکاریهای ملی و بین المللی و عزم راسخ دولتهای ملی و ارگانهای جهانی است.

خشونت علیه زنان

منظور از خشونت علیه زنان آن نوع از خشونت است که به دلیل جنسیت بر زنان اعمال می شود. خشونت بر علیه زنان به صورگوناگونی بروز می نماید

که در اینجا به برخی از انواع آن اشاره می‌شود: ازدواج اجباری، حاملگی اجباری، سقط جنین اجباری، عقیم سازی اجباری، قتل ناموسی، کتک زدن، هتک حرمت، تجاوز جنسی، واداشتن به فحشا، تجاوز جنسی در زمان جنگ، شکنجه زنان در زندان، گروگان گیری، رفتار وهن آمیز و...

خشونت علیه زنان موجب اثرات منفی فیزیکی، روانی، اقتصادی، و اجتماعی

می‌شود. برخی از تبعات خشونت عبارتند از:

- تبعات فیزیکی، شامل: جراحات و صدمه‌های جسمانی، بیماری، مرگ‌ومیر.
- تبعات روانی، شامل: شرم، ننگ اجتماعی، طرد خانوادگی و اجتماعی، طلاق، محرومیت از ازدواج
- تبعات اقتصادی شامل: افزایش غیبت زنان از محیط کار، کاهش بهره‌وری زنان، کاهش درآمد ملی.
- تبعات اجتماعی، شامل: بی ثباتی در جامعه، افزایش میزان جرم و جنایت در جامعه، کاهش میزان اعتماد اجتماعی در جامعه.

تحلیل و پیشنهاد

پس از گذشت ده سال از کنفرانس پکن، زنان هنوز در گوشه و کنار جهان تحت خشونت قرار می‌گیرند و متأسفانه دولتها و سازمانهای بین‌المللی نتوانسته‌اند این معضل جهانی را از بین ببرند. در بسیاری از جوامع، بالاترین علت مصدومیت زنان، نزاعهای خانوادگی و ضرب و جرح زنان بوده است اما این خشونت آشکار هنوز در سطح جهان به عنوان یک جنایت ضد بشری شناسایی نشده است (Jaggar, 2001). تجاوز جنسی به زنان زندانی در دوران جنگ هنوز به عنوان یک جنایت جنگی مطرح نشده است و متأسفانه در

بسیاری از جنگها نیز به عنوان یک عمل عادی انجام می‌شود. زنان از جنایاتی مانند شکنجه، تحقیر، توهین، تجاوز جنسی و... رنج می‌برند و با کمال تاسف نه دولتها و نه ارگانهای جهانی اقدام قاطع و اثربخشی برای توقف جنایات مذکور انجام نداده‌اند. بسیاری از مردانی که به قتل‌های ناموسی دست می‌زنند مدعی‌اند که همسران، دختران و یا خواهران خود را دوست می‌داشته‌اند. حال چرا این محبت در قتل و کشتار نمود می‌یابد سؤالی است که طی هزاره‌ها بدون پاسخ مانده است. همواره در طول تاریخ، مردان به علت توان فیزیکی بیشتر نسبت به زنان، به خود اجازه داده‌اند که نسبت به زنان خشونت ورزند و متأسفانه بسیاری از زنان نیز بنا به دلایل گوناگون از جمله دلایل روانشناختی و مشکلات حیثیتی و اجتماعی از طرح این خشونتها تأبّی ورزیده‌اند.

در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها از احقاق حقوق زنانی که موارد خشونت را به دادگاه کشانده‌اند عاجز بوده‌اند (Felson & Robinson, 2004).

اگر چه تلاشهای مثبتی برای تدوین قوانین جدید در باره خشونت نسبت به زنان صورت گرفته است اما دولتها نتوانسته‌اند تعهدات ملی و بین‌المللی خود نسبت به زنان را انجام دهند (Marenga, 2004). برای رفع این معضل ملی و جهانی پیشنهادهایی ارائه می‌شود که امید است با کاربست آنها زمینه حل این مشکل ریشه‌ای و فراگیر فراهم شود.

- مقابله با خشونت علیه زنان باید در دستور کار جهانی مربوط به حقوق بشر قرار گیرد زیرا خشونت بر علیه زنان تضییع حقوق بشر است. لذا ضرورت دارد که به عنوان یک اقدام ضد بشری در صدر اولویتهای حقوق بشری قرار گیرد.
- بسیاری از زنان از اعلام خشونتی که نسبت به آنان اعمال می‌شود طفره می‌روند. یکی از دلایل مهم طفره روی از گزارش خشونت به

دستگاه‌های مسؤول، مشکل بودن فرایند گزارش‌دهی و پیگیری است. پیشنهاد می‌شود برای مواجهه با فقر آماری در مورد خشونت علیه زنان، یک بانک اطلاعاتی که جرایم و جنایات جنسی در آن به شیوه مناسبی کد گذاری و طبقه بندی شده باشد ایجاد گردد و اطلاعات مربوط به شکایات و گزارش‌های مختلف را منعکس نماید. این بانک اطلاعاتی باید در فواصل نزدیک زمانی بهنگام و روز آمد شود.

- یک سازمان و چندین خط تلفن سهل الوصول در اختیار زنان قرار داده شود تا بتوانند سریعاً موارد خشونت را گزارش نمایند.
- پروژه‌های تحقیقاتی متعدد در باره ابعاد مختلف خشونت علیه زنان تعریف و اجرا گردد و به پرسش‌های ششگانه چپستی، چرایی، کیستی، زمانی، مکانی و چگونگی خشونت پاسخ داده شود.
- تشکلهای زنان افزایش یابد و در باره حقوق و تکالیف زنان به آنان آموزشهای لازم ارائه شود.

جنگ و مناقشات مسلحانه

یکی از اقداماتی که در جنگها و نزاعهای مسلحانه انجام می‌شود و در مواردی نیز به عنوان یک تاکتیک جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد اعمال خشونت علیه زنان است. سربازان و شبه نظامیان زنان را مورد تجاوز جنسی و سایر انواع خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی قرار می‌دهند و موجب آوارگی زنان و دختران از سرزمین اصلی خویش می‌شوند. زنان در عراق، کنگو، سیرالئون، رواندا، کوزوو، بوسنی و هرزگوین، از تجاوز، بردگی و سایر جنایات جنسی که به وسیله سربازان بر سر آنها آمده است گزارشهای فراوانی ارائه کرده‌اند. در موارد متعددی متجاوزان ابتدا به تجاوز جنسی دست

زده و سپس قربانی خود را به قتل رسانده‌اند. کسانی که زنده مانده‌اند از مشکلات فراوان فیزیکی، روانی و بهداشتی رنج بسیار کشیده‌اند. در اغلب جنگها، پایان جنگ، پایان خشونت نبوده است. زنان و کودکانی که در مناطقی زندگی می‌کرده‌اند که پایگاه‌های نظامی در آنجا واقع شده‌اند مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. برای مثال در اوکیناوا در کشور ژاپن و در کشور کره، هنوز زنان و کودکان از این قبیل اعمال وحشیانه در رنجند (Matsui,2000).

ظرافت و شکنندگی زنان در طی جنگ نادیده گرفته می‌شود (Haider,2000). کارهای جسمانی و فیزیکی، فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی در زمانی که مردان در جبهه‌اند بر عهده زنان قرار می‌گیرد. وقتی که جنگ تمام می‌شود زنان به خانه برگردانده می‌شوند زیرا مردان کارهای خود را باز پس می‌خواهند.

در جنگ هر جا نیاز باشد زنان به هر کاری تن می‌دهند. زنان به ویژه زنان فقیر بار بیشتری از مشکلات جنگی را متحمل می‌شوند زیرا خسارتها و خرابیهای جنگ بیشتر بر مردم غیر نظامی وارد می‌شود تا سربازان (Jaggar,2001). در جنگ جهانی اول، بیست درصد مصدومان جنگ را مردم غیر نظامی تشکیل می‌دادند. در جنگ جهانی دوم این رقم به پنجاه درصد رسید و در جنگ ویتنام تا هفتاد درصد افزایش یافت. جنگهای زمان حاضر تا نود درصد به مردم غیر نظامی صدمه می‌زنند. اغلب مبارزان در جبهه جنگ، مردان هستند، اما بیشتر آسیب‌پذیران جنگ، مردم غیر نظامی و اکثریت آنان زنان و کودکان هستند. طبق آمار کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، تعداد پناهندگان در جهان به ۲۱/۴ میلیون نفر بالغ می‌شود و ۸۰ درصد از این میلیونها پناهنده‌ای که در اثر جنگ آواره شده‌اند را زنان و کودکان تشکیل

می‌دهند. نظامیگری بالاترین سهم را در آلوده‌سازی محیط زیست جهان دارد و این آلودگیها بر زنان اثر سوء می‌گذارند. زمانی که بودجه‌های کلان به جای هزینه‌های اجتماعی (مانند بهداشت، آموزش، کشاورزی و...) به هزینه‌های نظامی تخصیص می‌یابند زنان متحمل خسران و زیان می‌شوند. زنان از تحریمها و حصرهای اقتصادی، صدمه می‌بینند و خلاصه تبعات منفی مناقشات و منازعات و تاکتیکهای حین جنگ و پس از جنگ، بیشترین لطمه را بر زنان جهان وارد می‌آورد.

پیشنهادها

- از آنجایی که بالاترین صدمات و خسارتهای جنگ بر زنان و کودکان وارد می‌شود و به علاوه زنان نقشهای متعددی را در زمان جنگ بر عهده می‌گیرند و به ویژه در امور اداری و بهداشتی و پرستاری خدمات بی‌بدیلی عرضه می‌نمایند باید ترتیبی داده شود تا زنان در فرایند مذاکره پیرامون جنگ و صلح حضور یافته و در تدوین سیاستهای مربوط مشارکت موثر داشته باشند. کمتر مادری است که فرزندش را برای کشتن فرزند مادری دیگر به جبهه بفرستد. حضور زنان در پشت میزهای مذاکره، احتمال تبدیل جو خصومت بار به قضای مهر آگین را افزایش می‌دهد و فرایند مذاکره را تعدیل می‌کند و در نتیجه، دستیابی به صلح و آرامش را تسهیل می‌سازد.
- نیازهای خاص زنان پناهنده که در اثر جنگ آوارهٔ سرزمینهای بیگانه می‌شوند باید مورد توجه قرار گیرد و تمهیداتی اتخاذ شود تا زنانی که به ناچار خانه و کاشانه خود را رها کرده اند از امکانات مناسبی برای زندگی و ادامه حیات برخوردار گردند.

- به اثرات حضور بلندمدت پایگاه‌های نظامی در کشورها توجه ویژه‌ای مبذول گردد. فقدان قوانین مورد نیاز در مناطق جنگی برای حمایت از زنان و کودکان موجب می‌شود که از یک سو تاجران جنسی و از سوی دیگر افراد مستقر در پایگاه‌های نظامی و احیاناً حافظان بین‌المللی صلح، در جست و جوی سرگرمی و برخی افراد نیز در پی فرصتهایی برای انتقامجویی، حقوق زنان و دختران را پایمال کنند و هستی آنان را تباه سازند.
- برای تضمین استقرار عدالت حساس به جنسیت، باید تمهیدات بسیار جدی اتخاذ شود. زنان در بلندای تاریخ، به اعتبار زن بودن، ستمهای فراوانی کشیده‌اند. شایسته نیست در دنیای پر ادعای امروز که مملو از شعارهای بشر دوستانه و حقوق بشری است، کماکان همان ستمهای پیشین بر زنان اعمال شود. استقرار عدالت حساس به جنسیت و افزایش کارآمدی و اثر بخشی نظامهای قضایی در این زمینه بسیار کار ساز خواهد بود.

شکاف دیجیتالی جنسیت

منظور از شکاف دیجیتالی جنسیت، نمایندگی محدود و اندک زنان در دستیابی به فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی و تعداد کم آنها در فناوریهای کامپیوتری و شبکه‌ای است. چنانچه فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی (فناوا)، به طور دموکراتیک به کار گرفته شوند، ابزارهای مهمی برای توزیع اطلاعات در سطح جامعه و مشارکت کاملتر زنان در کلیه فعالیتهای اجتماعی خواهند شد. اما متأسفانه دستیابی به این فناوریها در مناطق مختلف جغرافیایی و در گروه‌های متفاوت اجتماعی به شدت نابرابر است. این نابرابری موجب افزایش فاصله و شکاف بین کسانی می‌شود که به منابع اطلاعاتی و ارتباطی دستیابی

زیاد دارند و آنها که از این دستیابی محرومند و در نتیجه، گروه اخیر بیش از پیش به حاشیه رانده می‌شوند (APC, WNSP, 1999). توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات باید جنسیت مدار باشد و به تساوی جنسیتی منجر شود به نحوی که مشارکت هر چه بیشتر زنان را در استفاده و بکارگیری این فناوریها در پی داشته باشد. از بین بردن شکاف دیجیتالی جنسیت منجر به توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی تعداد انبوه زنان جوانی می‌شود که در جست و جوی اشتغال هستند و با بیکاری مداوم مواجهند. برنامه‌های آموزشی جنسیت مدار در جامعه دانشی و در اقتصاد اینترنتی، بسیار مهم است و می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری زنان و افزایش دسترسی آنان به فرصتهای متنوع شغلی منجر شود. موانع مهمی که زنان در زمینه استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی پیش رو دارند عبارتند از: مشکل زبان، کمبودهای آموزشی، دسترسی محدود به کمکهای فنی و تخصصی، کمبودهای مالی و موانع اجتماعی و فرهنگی.

پیشنهادها

- دولتها باید تمهیداتی اتخاذ کنند تا میزان دستیابی زنان به شبکه های الکترونیکی و فناوریهای ارتباطی افزایش یابد. در این فرایند لازم است که از طریق تبلیغات مؤثر و هدفمند، به نحوی که زنان در آن تبلیغات مورد خطاب قرار گیرند، آگاهی زنان را نسبت به مزایای این فناوریها افزایش دهند، منابع مالی مورد نیاز برای آموزش فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی به زنان را تامین نمایند، دوره های آموزشی خاص زنان ارائه دهند و ترجیحاً در این دوره ها از مدرسان زن استفاده نمایند. در این زمینه توجه به چند نکته، ضرورت دارد: اول، امکان دسترسی به

اطلاعات و فناوریهای مربوط باید تا مناطق روستایی گسترش داده شود. دوم، این دسترسی، باید آسان، امن و از نظر هزینه قابل تحمل باشد. سوم، قابلیت استفاده و بکارگیری این فناوریها به وجود آید. البته استفاده موثر از این فناوریها منوط به داشتن سه نوع سواد است: سواد عمومی، سواد مربوط به زبان اینترنت، و سواد کامپیوتری. دولت باید قویاً متعهد شود که این سه مشکل زنان در بکارگیری فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی را برطرف کند، چهارم، مفید بودن بکارگیری فناوریها برای زنان محرز باشد و این سودمندی زمانی تحقق می‌یابد که محتوای برنامه‌های آموزشی با مقتضیات و نیازهای محلی همخوانی داشته باشد و توجه زنان را جلب نماید.

- مهمترین وظیفه دولتها ایجاد زیر ساختها و تسهیلات زیر بنایی برای استفاده از فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی است. گسترش منابع اینترنتی و توسعه خدمات اطلاعاتی بر خط، ایجاد بانکهای اطلاعاتی که در فواصل کوتاه زمانی بهنگام شوند بسیار مفید واقع خواهند شد.
- یکی از اقدامات مهمی که دولتها باید انجام دهند ایجاد یک سایت رسمی مخصوص زنان است که در آن موضوعها و مسائل زنان و همچنین آمارهای مربوط به آنان از جنبه‌های مختلف منعکس شود. فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی ابزارهای بسیار مهم و مفیدی برای جمع آوری اطلاعات و ارائه آنها در باره انواع خشونت علیه زنان، بویژه قاچاق زنان است. اطلاع رسانی درباره قاچاق انسان، نجات دادن زنان دربند، بازآموزی زنانی که به خانه و کاشانه خود بازگشته‌اند و...، برخی از

کاربردهای مفید فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی است که در سطحی گسترده امکان کاربرد دارند.

- علاوه بر دولتها، سازمان ملل متحد و موسسات وابسته به آن باید بودجه‌هایی برای بسط آگاهیها و داناییهای مردم به طور عام و برنامه‌های آموزشی جنسیت مدار به طور خاص تخصیص دهند و در رفع شکاف دیجیتالی جنسیت تلاش کنند. اجرای موثر و گسترده این قبیل اقدامات می‌تواند فاصله موجود بین کشورهای برخوردار و کشورهای محروم از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی را کاهش دهد.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- "سند اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، پکن ۱۰+، زنان ۲۰۰۰ تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست و یکم." (۱۳۸۱). (مترجمان: فاطمه خطیب لو و سعید نوری نشاط)، مرکز امور مشارکت زنان، تهران: انتشارات برگ زیتون، صفحه ۱۸.
- ۲- "کار پایه عمل و اعلامیه پکن." (۱۳۷۵). (مترجمان: علی آرین و علی میر سعید قاضی)، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری با همکاری نمایندگی صندوق جمعیت ملل متحد و نمایندگی صندوق کودکان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران.

منابع لاتین

- 1- Association For Progressive Communications (APS) (1995). *Women,s Networking Support programme to the Fourth World Conference on Women.*
- 2- Benninger – Bude , Crain and Bourke – Martignoni , Joanna. (2004), *Violence Against Women: Ten Reports"Peacework"*, Cambridge, March, Vol. 31, Iss. 343, p.q.
- 3- Felson , Richard B., and Robinson , G.E. (2004). *Violence Against Women / Dr Robinson Replies, 'American Journal of Psychiatry'*, vol. 161 , Iss.8,P,150 q , Washington , USA.
- 4- Gills Dong – Sook. (2002). *Economic Globalization and Women in Asia: Challenges and Responses*, London: Routledge, UNESCAP.

- 5- Jaggar, Alison , M .(2001)., Is Globalization Good for Women ? Comparative Literature", Eugene:Fall, vol.53,Iss.4.
- 6- -Marenaga, James. (2004). Globalization Impeding Economic Empowerment of Women, "*GUARDIAN*", 18, August.
- 7- -Matsui, Yayori. (2002). Women and Armed Conflict – Foreign Military Bases as a Source of Violence Against Women, ESCAP HighLevel Intergovernmental Meeting to Review Regional Implementation of the Beijing Platform for Action , *Asian Women 's Resource Exchange* (AWORC).
- 8- Mendenhall, Mark, Punnett, Betty J.,Ricks, D.(1995). "*Global Management*",BlackwellPublishers,Cambridge,Mssachusetts, USA.
- 9- Roseman, Walda. (2001). "Gender and the Digital Divide' , *Seminar Series #5, The Word Bank Group*, March 22 , Washington D.C.
- 10- UN: Special Rapporteur on Violence Against Women Warns of Threats to Gains on Womens Human rights ...(2004), M2 Presswire, Coventry , April7.
- 11-*UNFPA*: Working to Empower Women , Women and Armed Conflict.
- 12- Womens Rights are Human Rights: Toward a Re- vision of Human Rights (1990), "*Human Rights Quortly*", P.496.
- 13-*World Bank Report* , March 20, 2002.
- 14-*Word Bank Report* , February 26, 2003.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني